

زوال اعتماد به شکل‌های زنانه در بوم‌واقفیت

جامعه زنان آیا امیدی به پیگیری مطالبات خود از سوی تشکل‌ها و چهره‌های زنان مستقر در نهاده‌ها دارد؟ آیا فریته‌هایی دال بر افزایش بی‌اعتمادی به تشکل‌های زنانه از سوی بدنه اجتماعی زنان دیده نمی‌شود؟ آیا تشکل‌های زنانه با انسداد روبه‌رو شده‌اند یا زوال ناشی از هم‌گسیختگی با بدنه اجتماعی، تشکل‌های زنانه را فرا گرفته؟… این پرسش‌هایی گمان از جمله سوالاتی است که این روزها در اذهان برخی از کارشناسان و بدنه اجتماعی زنان جزر و مد می‌یابد. این روزها جامعه زنان در حال مرور مطالبات خود در چک لیست‌هایی هستند که از تشکل‌های زنانه صادر شده و در سرسید خود اما رنگی از عملیاتی شدن ندیده است.

بسیاری از زنان به ویژه زنان سرپرست خانوار پوشش خدمات بیمه‌ای را می‌خواهند، تقویت جایگاه خود و نگاه برابر به استعداد‌های علمی، پژوهشی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی‌شان را طلب می‌کنند، اشتغال و پست‌های مدیریتی متناسب با توان و پتانسیلشان را خواهان هستند، آنان ضرورت کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی و اقدام عاجل برای کاهش طلاق و… را مورد تأکید قرار می‌دهند اما آنچه در عمل شاهد آن هستند، تنها برخی از تلاش‌ها در جهت تأمین مطالبه بخشی از طبقات اجتماعی است که دغدغه نان، معیشت، آسیب‌های اجتماعی و… را نداشته و صرف ازادی‌های اجتماعی در ذیل دستوراتی همچون ورود به ورزشگاه‌ها را تأمین می‌کند.

این اما تا به اینجا، با اندکی تأمل اما می‌توان دریافت که ادامه این وضعیت و تغییر دال‌ها‌ز مطالبات اصیل به دال‌های سیاسی شرایطی را در جامعه زنان به‌وجود آورده که نگران‌کننده و هشدار دهنده به تشکل‌های زنان است، هشدارهایی که نشان از دغد جامعه زنان تأکید بر این دارند که تشکل‌های زنانه اگر بنا ندارند خود بخشی از حل مشکلات نباشند لاقابل به مثابه بخش دیگری از مشکلات ایفاي نقش نکنند.

عدم استیفای حقوق اصیل زنان توسط تشکل‌های زنانه موجب شده که:

- بنیان‌های اعتماد بدنه اجتماعی زنان به این تشکل‌ها سست شده و کلیت جامعه زنان را هدف بگیرد.

- بخش بزرگی از جامعه زنان احساس می‌کند مسیری که این تشکل‌ها می‌روند، به نفع آنان نیست، مجموعه‌ای از تلاش‌هایی که در قالب گمده ظهور و بروز یافته‌و تأمین‌کننده مطالبات گمده‌ه‌است.

- اگر باور داشته باشیم که بعضی از پدیده‌های روانی اجتماعی به صورت تقابل‌های مشاهده‌نیستند و باید علامت‌های آنها را دید، آنگاه می‌توان گفت که وجود برخی از علامت‌ها مبتنی بر وجود شکاف میان بدنه اجتماعی زنان و تشکل‌های زنانه مبتنی بر تغییر دال‌های پیگیری مطالبات، بیان دیدگاه‌هایی متضاد با خواست‌های اصیل و… بیانگر نوعی گسیختگی است؛ گسیختگی‌ای که فریته‌هایی مبتنی بر اختلافات رؤس تشکل‌های زنانه نیز ان را تقویت کرده و تعلق خاطر‌ها را کاهش دهد.

بی‌گمان، هر جا که گسیختگی باشد یعنی تضاد و بیگانگی و احساس عدم تعلق وجود دارد. کینه، مسئولیت‌گریزی، تکروری و منفعت‌جویی خودخواهانه و… نشانه‌های گسیختگی است. هر جا که این نشانه‌ها حاضر باشند یعنی گسیختگی وجود دارد. یک گروه گسیخته یعنی گروهی که اعضای آن، احساس اشتراک با هم ندارند، یک جامعه گسیخته یعنی جامعه‌ای که بین افراد، گروه‌ها، طبقات و نهادهای آن تضاد وجود دارد و اصطلاحاً هر کس و هر بخش کار خودش را می‌کند و فکر خودش است. شاید با توجه به این تعاریف وضعیت برخی از تشکل‌های زنانه و ارتباط آنان با بدنه اجتماعی زنان در همین چارچوب قابل تعریف و تفسیر باشد.

در این میان اما با توجه به این گسیختگی باید خطاب به تشکل‌های زنانه و بخشی از بدنه اجتماعی زنان گفت، این وضعیت که در تابلوی نقاشی امروز ما نقش می‌شود، کار نقاشی نیست که کف خیابان است، بلکه کار خود آنان است. در حقیقت حکایت آن نقاشی است که تصویر معشوق خود را طراحی می‌کرد. از او می‌پرسند که آیا تلاش می‌کنی نقاشی تو شبیه معشوقت شود؟ می‌گوید نه! سعی می‌کنم معشوقم شبیه نقاشی شود!

برخی از تشکل‌های زنانه باید بپذیرند که آنان دیرزمانی است که تلاش کرده‌اند جامعه زنان شبیه نقاشی آنان شود. تلاش نکرده‌اند نقشی از این جامعه بکشند که شبیه جامعه باشد، بلکه تلاش کرده‌اند که جامعه شبیه نقاشی آنها شود.

دورنما



زنان فرانسوی قربانی همیشگی تجاوز جنسی

آمارهای رسمی کشور فرانسه نشان می‌دهد، میزان آمار آزار و اذیت‌های جنسی در این کشور، تا پایان سال ۲۰۱۷ در مدت مشابه نسبت به سال ۲۰۱۶ تقریباً یک سوم افزایش داشته است،به‌طوری‌که میزان تجاوز جنسی به افراد در سال ۲۰۱۷ در کشور فرانسه ۱۲ درصد افزایش داشته است.
همچنین میزان آزار و اذیت جنسی در این سال ۱۰ درصد افزایش پیدا کرده‌است.

به دنبال رسوایی اخلاقی «هاروی وینستین» تهیه‌کننده هالیوود نیز شمار زیادی از زنان فرانسوی ادعا کردند مورد سوءاستفاده جنسی قرار گرفته‌اند. چندین نفر از زنانی که توسط وینستین مورد آزار و تجاوز جنسی قرار گرفته‌اند نیز از ماه اکتبر فیلم‌هایی از وی منتشر کرده‌اند.

افشای سوءاستفاده اخلاقی یکی از معروف‌ترین افراد سینمایی هالیوود، موجب شد تا بسیاری از زنان فرانسوی ادعا کنند که مورد سوءاستفاده جنسی قرار گرفته‌اند.

بدرترین تأثیر را بر سلامت روانی جوانان داشته و بیش «من هم همین‌طور» که مدتی است زنان را دعوت به افشای آزار و اذیت‌های جنسی اعمال شده بر آنان می‌کند، زنان فرانسه را نیز تشویق به این ادعا کرده است، این درحالی‌است که آمار کسانی که در فرانسه ادعا کرده‌اند که مورد آزار و اذیت جنسی قرار گرفته‌اند، در سه ماه آخر سال ۲۰۱۶ نسبت به همین زمان در سال ۲۰۱۶، ۳۱ درصد افزایش یافته‌است.

اغلب گزارشات از جرائم جنسی نیز شامل تجاوز به افراد بوده است. این درحالی‌است که ۸۰ درصد قربانیان این تجاوزها زنان فرانسوی بوده‌اند.

دوشنبه ۱۴ اسفند ۱۳۹۶ | ۱۶ جمادی‌الثانی ۱۴۳۹

گزارش یک

زهراچدری

تلاش‌های کارگروه ملی مد و لباس در حوزه چادر مشک‌ی بی‌ثمر مانده است

حجاب برتر بانوان ایرانی در انحصار چشم بادامی‌ها



فاطمه عرفانیان / جوان

رنگ سیاهش طعنه می‌زند به سپیدترین یاک‌ی‌ها؛حساب برتر زنان ایرانی اما تولید وطنی‌اش آنچنان کم است که حتی اگر اهل به‌ها دادن به تولید ملی، کار و سرمایه ایرانی هم باشید به سختی می‌توانید چادرهای تولیدی تنها کارخانه تولید چادر مشک‌ی کشور را در مغازه‌های پارچه‌فروشی پیدا کنید. هر چند اگر هم پیدا کنید احتمالاً خود

فروشنده مغازه نخستین کسی است که سعی می‌کند تا رأی شما را به عنوان خریدار بزند و به جای چادر مشک‌ی وطنی یکی از همان تولیدات چشم‌بادامی‌ها را خدمتان عرضه کند تا همچنان انحصار حجاب برتر بانوان ایرانی در دست چشم‌بادامی‌ها باقی بماند و به گونه‌ای ثابت شود انگار وجود ما قیاد در این میانه چندان هم توهم‌توطئه‌نیست.

ماجرای تسخیر بازار ایران با چادر مشک‌ی‌های غیرایرانی حکایت تازه‌ای نیست و زخم کهنه‌ای است که سال‌هاست بر پیکره تولید ملی افتاده و بخش عمده‌ای از بازار عفاف و حجاب کشور را دو دستی تقدیم چشم‌بادامی‌ها کرده است. این ماجرا اگر چه بارها و بارها به سوزه گزارش بسیاری از خبرنگاران تبدیل شده است و بسیاری از صاحبزنان و صاحب‌قلمان در باره گفته‌اند و نوشته‌اند اما دفتر واردات چادر مشک‌ی به عنوان یکی از اصلی‌ترین پوشش‌های بانوان ایرانی به

گزارش ۲

کبری فرشچی

زنان

سرویس اجتماعی ۰۹۸۴۹۸۴۸

تلاش‌های کارگروه ملی مد و لباس در حوزه چادر مشک‌ی بی‌ثمر مانده است

حجاب برتر بانوان ایرانی در انحصار چشم بادامی‌ها

مسئولان قول‌هایی برای راه‌اندازی ظرفیت‌های تازه‌تری از تولید پارچه‌های چادر مشک‌ی ایرانی داده‌اند و قرار است هر دو،سه سال یک بار کارخانه تازه‌ای در این حوزه راه‌اندازی شود

۹۵در برابر ۱۵

محمدعلی صدق امیرز، رئیس انجمن تولیدکنندگان محصولات عفاف و حجاب هم می‌گوید: بیش از ۹۵در صد پارچه‌های چادر مشک‌ی موجود در بازار وارداتی است و می‌توان گفت تولید داخلی تنها کمتر از ۵درصداین بازار را تشکیل می‌دهد.وی تأکید می‌کند:تنها مجموعه داخل کشور که مدعی است پارچه مشک‌ی تولید می‌کند، مجموعه حجاب شهرکرد است، اما متأسفانه به رغم اینکه سال‌ها از شکل‌گیری این مجموعه می‌گذرد سه‌سال است که دوستان دائماً برای افتتاح این مجموعه امروز و فردا می‌کنند و تولیدی‌ها هم به بازار عرضه نمی‌کنند،اگر کالایی هم عرضه شده آنچنان کم و نازل بوده است که به چشم نمی‌آید.

کارخانجات نساجی نیز کم‌برای تولید چادر مشک‌ی را تأمین کند. دبیر کارگروه ساماندهی مد و لباس تأکید می‌کند: استقبال خوبی از چادر مشک‌ی ایرانی وجود دارد و حجم تولید شده در کارخانه حجاب شهرکرد از سوی بازار جذب می‌شود.

به‌گفته‌وی مسئولان امر قول‌هایی برای راه‌اندازی ظرفیت‌های تازه‌تری از تولید پارچه‌های چادر مشک‌ی ایرانی داده‌اند و قرار است هر دو،سه‌سال یک بار کارخانه تازه‌ای در این حوزه راه‌اندازی شود.

با تمام این‌ها کافی است به بازار سرزبند تا طاقه‌های چادر مشک‌ی کراهی و ژاپنی و حتی چینی از سبزی‌بازاران پیش‌رویتان پهن و از کیفیتشان تعریف و تمجید شود.

قبادی با بیان اینکه هر مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، پژوهشی پیرامون صنعت تولید بازار و مصرف چادر مشک‌ی انجام داده است که نتایج این تحقیق را اینگونه عنوان می‌کند: این پژوهش در فصل گذشته انجام شده که بر اساس آن، مصرف سالانه چادر مشک‌ی در کشور، ۱۰۰ میلیون مترمربع است. بر اساس اینکه قیمت جهانی هر متر مربع پارچه چادر مشک‌ی ۹۰ سنت تا یک دلار است، به این ترتیب بازار مصرف چادر مشک‌ی در کشور، سالانه ۱۰۰ میلیون دلار تخمین زده می‌شود.

زندانیان مهریه به ۲هزار و ۸۰۰ نفر افزایش یافته است

مهریه‌های اینستاگرامی شیوه تازه خودنمایی

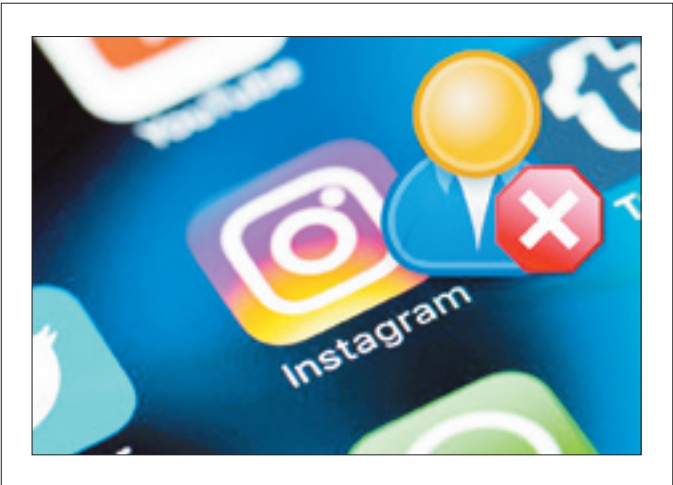
سوءشکیه‌های اجتماعی بر جوانان و به ویژه بانوان است و دردسره‌ای آن بر سر ازدواج و تشکیل خانواده هم سایه انداخته است.

مهریه‌های اینستاگرامی برای فالور بیشتر

در بین صفحات اینستاگرامی هر چیز عجیب و غریبی دور از انتظار نیست. در اینجا افرادی تشنه لایک گرفتن هستند و برای رفع این ععلش هر کاری می‌کنند.از سلفی‌های خطرناک و غیرطبیعی گرفته تا مهریه‌های عجیب و غیر قابل برداشتی که بتوانند فالورهایشان را افزایش دهند.

هر چند حکایت مهریه‌های لایک‌خور در اینستاگرام باورپذیر نیست،اما پرونده‌هایی که به دست رئیس ستاد دیه رسیده نشان می‌دهد این معضل وجود دارد. آنچنان جدی که توانسته است برخی زندگی‌ها را تحت تأثیر خود قرار دهد.

اسدالله جولایی در این‌باره می‌گوید:شاید باور کردنی نباشد اما جمعی کوچک نه بابت



ادوات

مهدی نیکو

خواست‌های عینی؛ قربانی سیاست‌های انتزاعی برخی تشکل‌های زنانه

هفته گذشته شاهد آن بودیم که جمعی از زنان برای تماشای دیدار بسکتبال میان تیم‌های ملی ایران و عراق در ورزشگاه حضور یافتند. بررسی اظهارات چهره‌ها و رسانه‌های اصلاح‌طلب و حامی دولت مبتنی بر آن است که آنان ضمن تعریف این اقدام به عنوان گام نخست در سلسله تلاش‌ها برای حضور زنان در ورزشگاه‌ها بوده و تلاش‌های دیگر برای حضور زنان در اسنادبوم‌های فوتبال نیز عملیاتی خواهد شد. فارغ از این بررسی محتوایی حضور زنان در ورزشگاه‌ها می‌توان در این زمینه به چند نکته اصلی اشاره داشت، نکاتی همچون:

۱- وحدت برخی فعالان زن، کنشگران سیاسی- اجتماعی و نیز مسئولان دولتی در عزم آنان برای فراهم آوردن شرایط حضور زنان در ورزشگاه کاملاً مشهود بود و این حضور ماحصل تفاهم و توافق در این زمینه قابل ارزیابی است.

۲- کاملاً قابل ارزیابی است که طیف قابل توجهی از کنشگران زن و نیز مسئولان ورزشی بر اساس محوریت دادن به آزادی‌های اجتماعی و به دست آوردن رضایت طبقات خاص اجتماعی اقدام به عملیاتی کردن حضور زنان در ورزشگاه کرده‌اند. بی‌تردید تلاش برای ساخت یک بلوک قدرت اجتماعی ذیل آزادی‌های اجتماعی برای زنان در خلال این تصمیم و اقدام قابل مشاهده است. در این میان البته برخی از سیاسیون نیز تأکید دارند که تلاشی برای ایجاد نقطه گرهی مبتنی بر زمان پرورده و موقعیت پروردگی برای مطالبات زنان ایجاد شده است.

۳- در این میان اما با توجه به تلاش‌های صورت گرفته می‌توان گفت: ۱-۳ فارغ از ورود به مقوله حضور زنان به ورزشگاه‌ها، آیا خواست اصیل زنان در شرایط کنونی و با توجه به اوضاع و احوال اجتماعی – اقتصادی تنها محصور به آزادی‌های اجتماعی است؟ بخش‌های مختلف جامعه زنان و نیروهای متکثر آنان صرف توجه به آزادی‌های اجتماعی را طلب می‌کنند؟ به راستی آیا اولویت‌های دیگری برای آنان برسته نشده و مطالبات دیگر صرفاً شکل انتزاعی برای آنان دارد؟

۳-۲ تعیین اولویت‌ها در پیگیری مطالبات زنان بر اساس کدامین مرجع و آماری اتخاذ شده است؟ آیا اصولاً با توجه به شدت گرفتن آسیب‌های اجتماعی‌ای که بخشی از آن نیز معطوف به جامعه زنان است، اولویت‌دهی به خواست زنان صورت گرفته است؟ آیا محصور کردن مطالبه زنان صرفاً به مصداقی همچون حضور زنان در ورزشگاه‌ها، جفا به سایر مطالبات زنیت است؟

۳-۳ چگونه است که در مصداق ذکر شده شاهد همگرایی برخی از فعالان زن و مسئولان هستیم اما در سایر مطالبات نه تنها تعریف‌های انتزاعی و موانع پشت سر هم قرار می‌گیرند که از دیگر سو اشتراک نظر حلقه مفقود‌ای می‌شود در این ماجرا. اگر قدرت اثربخشی کنشگران زن تا به این میزان قابل لمس است چرا این اثربخشی خود را در سایر حوزه‌ها و برای تأمین سایر مطالبات نشان نمی‌دهد؟

۴-اگر جامعه زنان را هر می فرض کنیم که بدنه اصلی در قاعده آن باشند و بخوابیم با قاعده هرم ارتباط برقرار کنیم، آیا این قاعده هم‌اکنون هم با مفاهیمی که در مصداق اخیر معنا پیدا کرده ارتباط برقرار می‌کند و با مفاهیم و خواست‌های عینی‌تری مانند امنیت، معیشت، کار، شغل و اشتغال؟ آمارها نشان می‌دهد حداقل در شرایط کنونی خواست‌های عینی‌تری همچون معیشت، اشتغال، برابر ای‌های مسئولیتی و… در صدر خواست‌های زنان بوده است. یک نیروی اجتماعی و سیاسی باید بتواند بین آرمان، هدف، ایدئ و مکتب خود با چیزی که مردم پدنبال آن هستند، به یک جمع‌بندی برسد؛ چراکه در غیر این صورت نمی‌تواند جنبش ایجاد کند یا کار به صورت ظاهری موفق شود، جنبشی بی‌بستوانه خواهد بود؛ جنبشی که در تعدادی ازبازگزی، پژوهشگر و نخبه که نمی‌توانند بر مردم ارتباط برقرار کنند، خاصه می‌توان در ماجرای فعالان زن نیز بر حسب همین محور ذکر شده بالا می‌توان تأکید داشت که شاید به لحاظ سیاسی حضور زنان در ورزشگاه‌ها بتواند برای بخش‌هایی از جامعه زنان تولید جاذبه کند اما فاصله داشتن میان مطالبات اصیل زنان و خواست‌های انضمامی آنان با ایدیه‌ها و هدف‌های انتزاعی برخی از فعالان زن، آینده چندان مطلوبی را برای برخی از تشکل‌های زنانه به ار مغان نخواهد آورد.

نگاه



تمایل ۷۲درصد زنان متأهل به کناره‌گیری از کار

«آمارهای جهانی نشان می‌دهد ۷۲درصد از زنان بعد از ازدواج و ۸۲درصد از آنها بعد از زایمان علاقه به کنار گذاشتن کار دارند.» این را سورا ستاری، معاون علمی و فناوری رئیس‌جمهور می‌گوید.

ستاری می‌افزاید: ما ابتدای انقلاب ۱۷۰ هزار دانشجو داخل کشور و ۱۰۰ هزار دانشجو خارج از کشور داشتیم. ۲۲درصد از ورودی دانشگاه‌ها قبل از انقلاب زنان بودند. در حال حاضر، بیش از ۴ میلیون دانشجو داریم و امسال ورودی زنان به دانشگاه‌ها ۵۴در صد بود. ۴۹درصد از خروجی دانشگاه‌ها هم زن هستند. تعداد دانشجویان ما در خارج از کشور نیز ۴۷ هزار نفر است. به گفته وی در حال حاضر، صددرصد ۳۵۰ شرکت دانش‌بنیان وجودی دارد و ۱۲درصد از این شرکت‌ها زن هستند. اینها لگوهایی هستند که باید ترویج شوند. طبیعی است که یک زن برای اینکه کارآفرین باشد باید از یکسری از وظایف خود چشم‌پوشی کند. کسی که بخواهد استخدام شود به درد این زیست‌بوم نمی‌خورد.

آنگونه که ستاری می‌گوید ایده‌های زنان بسا علاقه کمی از سوی سرمایه‌گذاران مواجه می‌شود. در سیستمی که وجود دارد زن ابتدا باید خودش را ثابت کند؛ در حالی که مرد یک آدم ثابت‌شده به‌شمار می‌رود. تنها ۵ تا ۱۰درصد از ایده‌هایی که توانستند سرمایه‌گذار جذب کنند توسط زنان ارائه شده‌اند. در دنیا تنها ۱۰درصد از اقتصاد جهانی و یک تا ۲درصد از مالکیت‌دارایی مربوط به زنان است. البته در کشورهای پیشرفته آمارها بالاتر است.

وی معتقد است: فضای ICT فضای خلاقیت و هوش است و قدرت بدنی در آن تأثیری ندارد. اینجا جایی است که می‌توانیم در آن زیست‌بوم را ایجاد کنیم. باید درست کار کنیم تا بتوانیم این زیست‌بوم را در این دنیا ی جدید ایجاد کنیم. در حال حاضر ۵۵درصد از فارغ‌التحصیلان علوم کامپیوتر در کشور ما زن هستند، اما درص‌د زیادی از آنها فعالیت نمی‌کنند. خودمان باید تلاش کنیم تا این وضعیت تغییر پیدا کند.

ستاری تأکید می‌کند: باید تعداد سرمایه‌گذاران زن یا سرمایه‌گذارانی که به زنان اعتماد دارند را افزایش دهیم. زنان در حوزه‌های مختلفی از جمله حوزه‌های علوم انسانی، مد و لباس و… می‌توانند کار کنند؛ به شرط اینکه خودشان بخواهند و تلاش کنند. هر تغییری هزینه دارد و باید این هزینه‌ها را بپردازیم. این انگیزه در دولت وجود دارد که نقش زنان در این زیست‌بوم پررنگ شود.

د

جمعی کوچک نه بابت ضمانت خوشبختی خودشان، نه برای داشتن افسارِ احتمالی جهت روزهای میادا
نه برای تمسک به حربه‌ای جهت مقابله با حق طلاق
آقایان، بلکه صرفاً برای فراهم شدن مقدمات ارسال پستی در اینستاگرام نسبت به تعیین مهریه‌های خاص اقدام می‌کنند و طبق برخی پرونده‌های مفتوح در این ستاد مردمی عرض می‌کنم که به اصرار در تعیین این میزان با مقابله با حق طلاق آقایان، بلکه صرفاً برای فراهم شدن مقدمات ارسال پستی در اینستاگرام نسبت به تعیین مهریه‌های خاص اقدام می‌کنند

حوزه که مردم با آگاهی و تقدمات بیشتری نسبت به تعیین مهریه اقدام نمایند، اگر چه مؤثر خواهد بود اما در قبال قدرت هنر و به طور مصداقی‌تر برای نمونه جادوی هنر هشتم یا قاب تلویزیون چندان قابل قیاس نیست. عموم افراد در امور شخصی و در قبال قراردادهای خصوصی خودشان چندان تمایلی به رعایت قواعد متعدد و محدودکننده ندارند.

اصلاح فرهنگ برای اصلاح زندگی

تغییر رفتارهای نادرست نیازمند تغییرات و اصلاح فرهنگ افتاده در اذهان عمومی است. مهریه‌های زساد یا حتی مهریه‌های عجیب و غریب خیلی وقت‌ها تقصیری است که نه به عروس خانم‌ها بلکه به پسر و مادرهای آنها باز می‌گردد. همچنان که خیلی از آقادهام‌ها ممکن است انتظار چیزیه‌های نجومی از همسرشان نداشته باشند اما انتظارات نادرست خانواده‌ها موجب شده تا در کنار فشارهای روانی شبکه‌های اجتماعی مختص خودنمایی نظیر اینستاگرام مضعلات تازه‌ای هم بر سر راه ازدواج قرار بگیرد و خانواده ایرانی را از اصالتش دور کند.